

طراحی الگوی توسعه سرمایه فرهنگی در خانواده ایرانی

پیمانہ عسگری^۱، فاطمه فراهانی^۲، سید رضا صالحی امیری^۳

چکیده

سرمایه فرهنگی مفهوم نسبتاً جدیدی است که امروزه از عوامل توسعه پایدار شناخته شده است. بعلاوه اهمیت نهاد خانواده در جامعه ایرانی و تغییرات فرهنگی این نهاد تأثیرگذار بر توسعه فرهنگی، توسعه سرمایه فرهنگی خانواده بعنوان یکی از مهمترین نهادهای اجتماعی، می تواند تأثیرات شگرفی در توسعه و ارتقاء سطح فرهنگ جامعه ایرانی داشته و این تحول مثبت، مسیر رسیدن به توسعه پایدار را تسهیل کند. این مقاله در رابطه با پژوهش طراحی الگو جهت توسعه سرمایه فرهنگی خانواده تهیه گردیده و هدف آن کاربردی و از نظر گردآوری اطلاعات، توصیفی پیمایشی است. مدل مفهومی پژوهش توسط پرسشنامه، میان ۳۰ نفر از خبرگان مورد آزمون قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده ها در سطح آمار توصیفی از نرم افزار SPSS 22 و در سطح آمار استنباطی از نرم افزار PLS استفاده شد. یافته های پژوهش پس از تحلیل عامل ساختاری، مؤید ارتباط ۱۰ مولفه از ۱۳ مولفه در مدل مفهومی شدند. بر این اساس مولفه تعاملات اجتماعی، بیشترین رتبه را در ایجاد تغییرات سرمایه فرهنگی خانواده تبیین نمود. این تحقیق جایگاه ارزشی هر یک از متغیرهای مستقل را در وضعیت موجود و مطلوب مشخص نموده و می تواند زمینه ای برای سیاست گذاری های فرهنگی در حوزه خانواده را فراهم آورد. اهمیت مولفه دموکراتیک بودن خانواده، بالاترین و مولفه مشارکت فرهنگی، پایین ترین رتبه را در بررسی شرایط مطلوب از نظر خانواده بدست آورد. همچنین وضعیت موجود دانش سلامتی خانواده در بهترین وضعیت، و وضعیت موجود امکانات فرهنگی در بدترین وضعیت قرار دارد.

واژگان کلیدی: سرمایه فرهنگی، توسعه سرمایه فرهنگی، خانواده.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۲/۱۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۰/۱۲

^۱ دانش آموخته دکتری تخصصی مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
(Email: peymanehasgari@gmail.com)

^۲ عضو هیئت علمی رشته مدیریت فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (Email: f_farahany@yahoo.com)

^۳ عضو هیئت علمی رشته مدیریت فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران (Email: r_salehiamiri@yahoo.com)

مقدمه

خانواده ایرانی در گذشته کارکردهای زیادی داشته است. کارکردهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، عاطفی و بسیاری کارکردهای دیگر. امروزه بعلت وجود نهادهای مدنی و واگذاری کارکردهای خانواده به این نهادها، کارکرد خانواده، تمرکز بیشتری بر روی موضوعات بازتولید فرهنگی و ارتقاء سرمایه فرهنگی و اجتماعی و نهادینه کردن ارزشهای فرهنگی دارد. یکی از زمینه های اساسی تحول نهادین در جامعه ایرانی، دگرگونی ساختار قدرت در خانواده است (Ghanei Rad, 2017). اهمیت خانواده بعنوان یکی از مهمترین نهادهای تاثیر گذار بر ارتقاء سطوح فرهنگی جامعه ایرانی و سرمایه فرهنگی بعنوان مزیت بالقوه ای برای توسعه و ارتقاء سطوح اندیشه و فرهنگ، بعنوان دو فاکتور مهم تاثیر گذار در توسعه پایدار فرهنگی شناخته شده اند (UNESCO, 2011). در حقیقت توسعه سرمایه فرهنگی بعنوان نیروی محرک در تجدید و تعالی حیات فرهنگی خانواده در تمامی حوزه های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر بوده و با تکیه بر آن می توان به مزیت مادی و معنوی خانواده ها و نهایتاً جامعه رسید (Kuly, 2005). توسعه سرمایه فرهنگی خانواده سبب بروز موفقیت های آموزشی، ارتقاء سطوح آموزشی و دستیابی به تحصیلات تکمیلی، دسترسی به حرفه و ارتقای شغلی میگردد. در بعد اجتماعی با تکیه بر توسعه سرمایه فرهنگی خانواده میتوان با کاهش جرم و بزه، افزایش سلامت افراد، افزایش سلامت روانی و رفتاری و تولید نظم و رفاه و افزایش سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی دست پیدا کرد (Bourdieu, 2007). در پژوهش حاضر سعی گردیده است با توجه به بازشناسی ابعاد گوناگون سرمایه فرهنگی، بر اساس زیست بوم فرهنگی و نظام ارزشی خانواده ایرانی و تغییرات آن، به الگویی کاربردی برای شناسایی مولفه ها و شاخص های ارتقاء سرمایه فرهنگی خانواده دست یافت. سند چشم انداز بیست ساله نظام جمهوری اسلامی ایران، سندی جهت تبیین توسعه ایران در زمینه های مختلف است. سال ۱۴۰۴ خورشیدی (۲۰۲۵ میلادی) افق چشم انداز است و بر اساس آن یکی از وظایف مهم فراروی سیاستگذاری و خط مشی گذاری فرهنگی، برخورداری جامعه ایرانی از نهاد متعالی خانواده در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و علمی است تا مسیر توسعه درونزا را بپیماید. این ارتقاء فرهنگی خانواده، نیازمند سیاست گذاری های فرهنگی و برنامه ریزی در قلمرو فرهنگ می باشد (Salehi Amiri, 2007). مجموعه ای عظیم به نام خانواده، همیشه در حال تغییرات اجتماعی است. همچنین پاسخگوی تغییراتی است که در درون و برون جامعه اتفاق می افتد و این جریان به طور اجتناب ناپذیری صورت می گیرد (Sarukhani, 2014). با شناسایی مولفه های توسعه سرمایه های فرهنگی خانواده، می توان به ارتقاء توانش افراد هر جامعه دست یافت. فقدان الگوی ارتقاء بخش "سرمایه فرهنگی" در خانواده، سبب بروز اختلال در پویایی فرهنگی جامعه ایرانی و عدم دسترسی به توسعه پایدار خواهد شد. فقدان یک الگوی مدون و مشخص و منطبق با فرهنگ ملی و اسلامی و نظرات و پیش داورای های فردی در حوزه های مدیریت فرهنگی خانواده، سبب بروز آنومی و نابسامانی های اجتماعی و در نهایت منجر به بروز "بحران فرهنگی" می گردد. لذا برای حل این معضلات، ضرورت اقدام جهت ارتقاء سرمایه فرهنگی در خانواده بعنوان پیش نیازی در جهت ارتقاء سرمایه فرهنگی کشور رخ می نماید. لزوم استخراج عوامل ارتقاء بخش سرمایه فرهنگی در خانواده ایرانی با تأکید بر ویژگی های مشترک اقوام، در این رساله مورد نظر قرار گرفته است. دغدغه اساسی این تحقیق، دستیابی و استخراج عوامل تأثیر گذار در عرصه ارتقاء سرمایه فرهنگی در خانواده ایرانی است. آنچه در تحقیقات گذشته صورت گرفته است، تعیین مؤلفه های سرمایه فرهنگی و شاخص های توسعه و ارتقاء بوده و جمع بندی این متغیرها در قالب خانواده به شکل الگویی مدون انجام پذیرفته است؛ لذا این تحقیق می تواند زمینه لازم برای تحقق چنین الگویی را فراهم سازد. طبق تحقیقات مختلف انجام گرفته در کشورهای گوناگون، ارتقاء سرمایه فرهنگی در جوامع سبب بروز مزایای رقابتی در ابعاد مختلف بوده است. ارتقاء سرمایه فرهنگی سبب بروز موفقیت های آموزشی (Dumais, 2002 & DiMaggio, 2004)، دسترسی به حرفه و ارتقاء شغلی شده است (Marks, 2009). ارتقاء سطوح آموزشی و دستیابی به تحصیلات تکمیلی (Blaskó, 2003 & Jaeger, 2009)، با تکیه بر ارتقاء سرمایه فرهنگی، جامعه ای با کاهش جرم و بزه (Johnson, 1995 & Waldron, 2009)، افزایش سلامت جسمانی،

رفتاری و روانی (Abel, 2011)، تولید نظم و رفاه اجتماعی (Fanning, 2010) و افزایش سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی شده است. ارتقاء سرمایه فرهنگی سبب بروز شبکه های جهانی در دیپلماسی های فرهنگی (Findlay, 2011)، انباشت جو فرهنگی (Cheng, 2006). و حتی تغییر در مرزهای قدرت. می گردد امروزه از سرمایه فرهنگی بعنوان یک فاکتور مهم جهت ارتقاء توسعه پایدار (UNESCO, 2011)، هویت بخشی و ارزش آفرینی (Clarke, 2011)، افزایش مهارت ها و عادات فرهنگی (Weininger, 2007)، در جوامع نام برده می شود.

از اهداف این تحقیق، تعیین مولفه های توسعه سرمایه فرهنگی خانواده و تعیین شاخصهای آن بوده و در این مسیر، تعیین رابطه معناداری درونی مولفه ها با ارتقاء سرمایه فرهنگی خانواده و تعیین سهم و میزان مولفه ها در توسعه سرمایه فرهنگی خانواده مشخص می گردد. نهایتا مقایسه وضعیت موجود عوامل ارتقاء دهنده سرمایه فرهنگی خانواده با وضعیت مطلوب صورت می گیرد. تعیین نیازها و اولویت های برنامه ریزی در جهت ارتقاء سرمایه فرهنگی خانواده از نتایج این تحقیق می باشد. چارچوب نظری این تحقیق بر اساس نظریات پیر بوردیو است و بر اساس نظریه وی، مولفه ها را در سه بعد متجسم، عینی و ضابطه ای مطرح می کنیم. مهمترین سوالات این پژوهش عبارت است از:

- عوامل تاثیرگذار بر ارتقاء سرمایه فرهنگی خانواده کدامند؟
- وزن و اهمیت هر یک از مولفه ها چقدر است؟
- مقایسه وضعیت مطلوب و موجود سرمایه فرهنگی خانواده ها چگونه است؟

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق

۱) سرمایه فرهنگی: مفهوم سرمایه فرهنگی برای اولین بار توسط پیر بوردیو مطرح شده است، سرمایه فرهنگی بخشی از یک چارچوب تحلیلی و باز تولید قدرت و امتیاز طبقاتی است که در فرآیند تأثیر فرهنگ در نابرابری های اجتماعی مطرح شده است. سرمایه فرهنگی به عنوان شکلی از سرمایه ارزشی و فرهنگ برجسته طبقات والا است که متفاوت از سرمایه اقتصادی و اجتماعی بوده ولی در نهایت به هر دو این سرمایه ها قابل تبدیل می باشد (Bourdieu, 2007). انتقال سرمایه ی اقتصادی از نسلی به نسل دیگر و از طریق ارث و میراث صورت می گیرد؛ در حالیکه انتقال سرمایه فرهنگی امری پیچیده تر است (Taylor, 1997). سرمایه فرهنگی شامل مهارت های خاص، سلیقه، نحوه سخن گفتن، مدارک تحصیلی و شیوه هایی است که فرد از طریق آن خود را از دیگران متمایز می سازد (Bourdieu, 1990). از نظر بوردیو سرمایه فرهنگی به سه حالت می تواند وجود داشته باشد:

۱. **حالت تجسد یافته**:^۱ این نوع سرمایه به بدن و ذهن فرد پیوسته است. به تلاشها و سرمایه گذاری شخصی فرد وابسته و بوسیله خود فرد بدست می آید. کسب علم، تلاش برای کسب سرمایه تجسیدی است. مجموعه توانایی ها و دانایی ها که در افراد تجلی پیدا می کند.
۲. **حالت عینیت یافته**:^۲ اشیاء مادی، کالاهای فرهنگی و رسانه هایی مانند نوشته ها، کتاب ها، نقاشی ها، ابزارهای موسیقی جزء سرمایه فرهنگی عینیت یافته است. بهره گیری از سرمایه فرهنگی عینیت یافته وابسته به سرمایه فرهنگی تجسیدی فرد است.
۳. **حالت نهادی شده**:^۳ سرمایه نهادی، عینیت بخشیدن به سرمایه فرهنگی از طریق مدارک دانشگاهی و تحصیلی است؛ که خارج از دارایی های تجسیدی و عینی واقعیت پیدا می کنند. کسب عناوین تحصیلی که به صورت قانونی و نهادی حاصل می گردد. می توان افراد را از نظر این نوع مدارک با هم مقایسه کرد. حتی می توان نرخ تبدیل این نوع سرمایه فرهنگی را

¹ Embodied state

² Objectified state

³ Institutionalized state

به سرمایه اقتصادی بر حسب ارزش پولی برآورد کرد. تبدیل این نوع سرمایه فرهنگی به سرمایه های اقتصادی، وابسته به کمیابی آن است (Ghafari, 2008).

۲) **خانواده:** خانواده در مقایسه با دیگر نهادهای اجتماعی اهمیت بیشتری دارد. چرا که شناخت خانواده باعث شناخت بیشتر جامعه می شود (Ranjbar, 2010). خانواده با ایفای نقش خود در جامعه، توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را دنبال و اجرا کنند. تبادل اندیشه ها، رفت و بازگشت های فکرها، نظام پیشنهادها، گفت و گو و عقلانیت، از ویژگی های خانواده های جدید است که میتواند بر سرمایه فرهنگی خانواده تاثیر گذار باشد (Sarukhani, 2001).

۳) **ارتقا سرمایه فرهنگی:** در گذشته سرمایه فرهنگی بعنوان یک سرمایه فردی و در بعد فردی مد نظر قرار می گرفت و از آن بعنوان مجموعه ای از روابط، معلومات، اطلاعات و امتیازات که فرد برای حفظ کردن یا بدست آوردن یک موقعیت اجتماعی از آن استفاده می کرد، نام برده می شد ولی امروزه و در شبکه جهانی کنونی سرمایه فرهنگی نه در قالب فردی بلکه در بعد اجتماعی و بعنوان شاخصی مؤثر در توسعه ملی مد نظر می باشد (SalehiAmiri, 2007). با شناسایی و ارتقا سرمایه های فرهنگی، می توان به ارتقا دانش افراد هر جامعه دست یافت. توسعه در سرمایه فرهنگی بعنوان توسعه پایدار فرهنگی در جوامع مورد نظر است (Phillips, 2010).

۴) **شاخص های ارتقاء سرمایه فرهنگی:** اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی در مورد شاخص های ارتقاء سرمایه فرهنگی، نظرات متفاوتی را بیان کردند. خود بوردیو با تغییر دادن مداوم مفهوم و کارکردهای سرمایه فرهنگی در نوشته هایش، تعریف آن را پیچیده تر کرده است و به همین خاطر است که شاخص های متفاوتی از سوی محققان برای سرمایه فرهنگی ارائه شده است. محققین جامعه پذیری، انتقال فرهنگی، دستیابی به امکانات آموزشی و تحرک اجتماعی را از شاخص های ارتقاء سرمایه فرهنگی می دانند (Lareau, 2003).

ابعاد و مولفه های ارتقا سرمایه فرهنگی خانواده^۲

۱. **آموزش:** آموزش یک فاکتور کلیدی برای پیش بینی تحرک اجتماعی در اغلب جوامع صنعتی است (Gintis, 1980). اغلب مطالعات تحرکات اجتماعی نشان می دهد که موفقیت های شغلی، توسط آموزش و تجربیات آموزشی خانواده در افراد تعیین می شوند. افرادی که سرمایه فرهنگی بالاتری دارند، در بازار تحصیلی موفقیت بیشتری کسب می کنند (Mortimer, 2006).

۲. **تعاملات اجتماعی:** به زعم گیدنز، در جوامع امروزی اجتماعی شدن بیش از همه در خانواده رخ می دهد و به صورت سلسله پی در پی، رشد و تکامل انسانها را به یکدیگر مربوط می سازد. خانواده نوعی میل به جاودانه کردن موجودیت اجتماعی انسان به همراه تمامی قدرت ها و امتیازات وابسته به آن است که ریشه در راهبردهای باز تولید دارد. هر فرد با توجه به عادات و پیش داشته های ذهنی خود به ارائه رفتارها و یا تعاملاتی با فضای اجتماعی و دیگران می پردازد (Bourdieu, 2010). تعامل افراد خانواده با محیط های اجتماعی، می تواند عاملی برای ارتقا سرمایه فرهنگی در خانواده و در محیط اجتماعی آنان باشد (Wildhagen, 2009).

۳. **دانش سلامت:** «سرمایه فرهنگی مرتبط با سلامت» به آن دسته از منابع مبتنی بر فرهنگ اشاره دارد که برای حفظ و ارتقاء سلامت، در دسترس افراد قرار دارد و از طریق فرایند جامعه پذیری، گرایشها و سلیق افراد درون هر طبقه اجتماعی و نسل خاص، به وجود می آید هر چقدر خانواده به منابع مادی، اجتماعی و فرهنگی بیشتری دسترسی داشته باشد، در شرایط

¹ promotion of cultural capital

² promotion of cultural capital family

³ education

⁴ social interaction

مناسب تری قرار خواهد افراد دارای سرمایه فرهنگی بالا، نسبت به افراد دارای سرمایه فرهنگی پایین سلامت خود اظهاری بیشتری را گزارش کردند «تحصیلات و دانش» و «منابع خانوادگی»، پیش بینی کننده های مهمی برای ارتقاء دانش سلامت خانواده هستند (Abel, 2015).

۴. **دموکراتیک بودن:** دموکراسی بی شک یکی از متداول ترین مفاهیم عصری است که ما در آن زندگی می کنیم. تقارنی میان دموکراتیزه کردن زندگی شخصی و امکانات دموکراتیک نظم سیاسی، وجود دارد. شرط دموکراسی در حوزه خانواده، ممنوعیت استفاده از روش های اقتدارگرایانه در روابط خانوادگی است. دموکراتیزه کردن زندگی خانوادگی فرایندیست که کمتر مشهود است اما نتایج آن به اندازه دموکراتیزه کردن در سطوح رسمی، اساسی و ژرف است (Kesel, 2008). دموکراسی در خانواده با مؤلفه های اعتقاد به برابری زن و مرد در تصمیم گیری، مدارا نسبت به اعضای خانواده و اعتقاد به گفت و گو و تفاهم تعریف می شود (Sharepoor, 2009). بورديو در جستجوی امکان فعالیت و حضور زنان در عرصه سیاسی و اجتماعی با هدف دموکراتیک ساختن دموکراسی است (Lin, 2006).

۵. **طبقه اجتماعی:** از طریق فرایند جامعه پذیری، گرایشها و سلیق، افراد درون هر طبقه اجتماعی طبقه بندی می شود (Abel, 2016). بورديو معتقد است وجود ترکیبی از سرمایه های اقتصادی و فرهنگی در فرزندان افراد طبقات بالای جامعه باعث تداوم اشرافیت تحصیلی ارثی می شوند کودکان طبقه بالا به طور طبیعی مانند والدین، جامعه پذیر شده و فرهنگ پایگاه بالاتر را به نمایش می گذارند و همین مسئله سبب تراکم سرمایه فرهنگی آنان می شود و در کسب مشاغل پر وجهه موفق ترند (Bourdieu, 2007).

۶. **شناخت و نگهداری از میراث فرهنگی:** سرمایه فرهنگی قابلیت انتقال از نسل های گذشته به نسل های آتی را دارد و با ایجاد هویت فرهنگی در آحاد جامعه سبب ارتقاء سرمایه فرهنگی می شود. میراث فرهنگی در هر جامعه، زمانی میتواند هویت بخش بوده و باعث انسجام گردد که افراد یک جامعه، شناخت و آگاهی کافی از میراث فرهنگی خود داشته و نقش میراث فرهنگی را در هویت بخشی خود بدانند. شناخت از تاریخ و میراث فرهنگی، با آموزش رسمی و غیررسمی به نسل بعد انتقال می یابد (Throsby, 2001).

۷. **مصرف فرهنگی:** صنایع فرهنگی متناسب با نیاز خانواده ها، خود، به تولید کالاها و خدمات فرهنگی کمک کرده، می توانند باعث افزایش مصرف فرهنگی و در نتیجه انباشتگی جو فرهنگی و تولید سرمایه های فرهنگی و بالطبع ارتقا سرمایه فرهنگی در خانواده و جامعه شوند (Cheng, 2006). لذا تولید و مصرف فرهنگی خانواده ها، می تواند به انباشتگی جو فرهنگی در خانواده کمک نموده و در نتیجه ارتقا سرمایه فرهنگی خانواده را فراهم سازد (Sasaki, 2010).

۸. **مشارکت فرهنگی:** افراد متناسب با ذائقه های خود به انتخاب فضاهای مشارکت فرهنگی خود اقدام می نمایند. می توان با افزایش دانش فرهنگی خانواده ها، ذائقه افراد خانواده را تحت تأثیر قرار داده و بدین وسیله باعث ارتقاء مصرف فرهنگی و توسعه سرمایه فرهنگی خانواده در چارچوب های عادت واره ها شد (Yaish & Katz-Gerro, 2010).

۹. **امکانات فرهنگی یا دسترسی به منابع فرهنگی:** خانواده در اکولوژی فرهنگی خاص که بر گرفته از فرهنگ جاری آن ملت می باشد، زندگی می کند. در این جو فرهنگی، وجود امکانات و منابع فرهنگی، یکی از جایگاه هائی است که می تواند اطلاعات فرهنگی اجتماعی خانواده را تأمین نماید. امکانات فرهنگی ذخایر فرهنگی هستند که می توانند بصورت سرمایه های ملموس (میراث فرهنگی، آثار فرهنگی عینیت یافته، تولیدات نهادینه شده، موزه، کتاب خانه، تئاتر و...) یا غیر ملموس

¹ preserving cultural heritage

² cultural consumption

³ cultural participation

⁴ Access to cultural resources

(سرمایه های تجسد یافته، نگرش و عقاید، باورها، ارزش ها) برای تولید سرمایه فرهنگی در هویت بخشی افراد بکار روند. با افزایش میزان دسترسی به امکانات فرهنگی، می توان افراد را در معرض بارش اطلاعات فرهنگی قرار داد که در ارتقاء سرمایه فرهنگی خانواده مؤثر می باشد (Stuber, 2000).

۱۰. **دسترسی به اطلاعات و شبکه جهانی^۱:** دانش و معلوماتی که بتواند سرمایه متجسد را جهت تولید سرمایه عینی و نهادی هدایت کند، می بایست با دانش روز و تکنولوژی جدید تطابق داشته باشد. آشنائی با نوآوری های تکنولوژی و دسترسی به شبکه های اطلاعاتی جزء لاینفک مهارتهای توسعه در سرمایه فرهنگی می باشد (Kapitzke, 2000) در بسیاری از کشورها، توسعه بانک های اطلاعاتی، ایجاد شبکه های الکترونیکی جهت تسهیل تبادلات فرهنگی و اطلاعات، از اجزای ضروری تولید سرمایه فرهنگی در تدوین سیاست گذاری ها مورد توجه قرار گرفته اند (Council of Europe, 2010). بعضی از تحقیقات، بالابردن دانش خانواده یعنی فرزندان و والدین را بمنظور ارتباط با شبکه های جهانی جهت ارتقاء سرمایه فرهنگی ضروری دانسته اند (Low, 2008).

۱۱. **گردشگری (توریسم)^۲:** صنعت گردشگری با بازتولید ارزش در حوزه میراث فرهنگی، مرور بر تمدن و اساطیر و وقایع فرهنگی در برجسته سازی فرهنگی جامعه ملی و بومی و جذب علاقمندان عرصه تبادل و تعاملات جهانی بسیار ارزشمند و کارا بوده است. گردشگری علاوه بر هویت بخشی افراد و ارتقاء سرمایه فرهنگی خانواده ها، در توسعه سرمایه اقتصادی نیز با تولید بازار و تقاضای جدید، کارآفرینی و افزایش ارزش افزوده صنایع فرهنگی اثر گذار می باشد (Clarke, 2011).

۱۲. **مدارک تحصیلی و حرفه ای:** لازمه سرمایه فرهنگی ضابطه ای، وجود افراد با صلاحیت و مستعد برای کسب انواع مدارک تحصیلی و دانشگاهی است. مانند مدارک تحصیلی و گواهی نامه فنی و حرفه ای (Bourdieu, 1990).

۱۳. **اشتغال افراد خانواده:** از نظر بوردیو، نتایج تحصیلی و رفتار تحصیلی دانش آموزان وابسته به سرمایه فرهنگی است که از طریق خانواده انتقال می یابد. اشتغال افراد خانواده با شاخص های ارزش اجتماعی مشاغل والدین، میزان درآمد یک خانواده و تعداد افراد شاغل در خانواده، میزان امنیت شغلی والدین، وجود یا عدم وجود بیمه های اشتغال، اهمیت پرداخت مالیات بر درآمد و ارزشهای افزوده در یک خانواده، مد نظر قرار گرفته است (Bourdieu, 2010).

فرضیه ها

۱. می توان مولفه هایی به منظور ارتقاء سرمایه فرهنگی خانواده شناسایی کرد.
۲. وضعیت موجود عوامل ارتقاء دهنده سرمایه فرهنگی خانواده با وضعیت مطلوب، فاصله معنی داری دارند.
۳. نیازها و اولویت های برنامه ریزی برای ارتقاء سرمایه فرهنگی خانواده بر اساس نتایج تحقیق، قابل شناسایی است.

روش شناسی

این پژوهش به لحاظ استفاده از نتایج کاربردی و از نظر روش گردآوری داده ها پیمایشی می باشد. این تحقیق به شیوه ترکیبی صورت پذیرفته و از روشهای کمی و کیفی جهت گردآوری اطلاعات استفاده شده است. (کیفی: ابزار مصاحبه)، (کمی: ابزار پرسشنامه محقق ساخته خبرگان و سرپرست خانواده). داده ها با استفاده از نرم افزار spss 23 و PLS^۳ تجزیه و تحلیل شدند. نهایتاً برای بررسی شرایط موجود و مطلوب سرمایه فرهنگی خانواده، پرسشنامه میان ۳۷۴ سرپرست خانواده توزیع گردید.

¹ Access to information and global networks

² Tourism

³ Partial Least Squares

از آنجاییکه پژوهش حاضر از نوع توصیفی پیمایشی است، بنابراین ابزار سنجش همچون بسیاری از مطالعات توصیفی از مصاحبه با خبرگان و به منظور جمع آوری نظرات خبرگان از پرسشنامه استفاده گردیده است. در پرسشنامه ۶۵ سوال در نظر گرفته شده که شامل سه بعد و ۱۳ مولفه مربوط به ابعاد می باشد و با طیف لیکرت خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم، خیلی کم سنجیده شده است.

پایایی^۱ (قابلیت اعتماد) پرسشنامه

بعد از تایید روایی صوری، پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفا کرونباخ اندازه گیری شد و پایایی آن تایید گردید. مقادیر ضریب آلفای کرونباخ در تمام متغیرها بالاتر از معیار قابل قبول ۰/۷ است.

- **ضرایب معنی داری t:** برای بررسی برازش مدل ساختاری پژوهش از چندین معیار استفاده می شود که اولین و اساسی ترین معیار ضرایب معنی داری t یا همان مقادیر t-values می باشد. ابتدایی ترین معیار باری سنجش رابطه بین متغیر در مدل (بخش ساختاری) اعداد معنی داری t است. در صورتی که مقدار این اعداد از ۱/۹۶ بیشتر شود نشان از صحت رابطه بین متغیرها و در نتیجه تایید فرضیه ها پژوهش در سطح اطمینان ۰/۹۵ است. البته باید توجه داشت که اعداد فقط صحت رابطه را نشان می دهند و شدت رابطه بین متغیرها را نمی توان با آن سنجید.
- **ضرایب مسیر^۳ (b):** ضرایب مسیر بین متغیرهای مکنون باید بر اساس علامت جبری، مقدار و معناداری آنها بررسی شوند. هر ضریب مسیر در مدل ساختاری PLS را می توان معادل یک ضریب بتای استاندارد شده رگرسیون های کمترین مربعات معمولی در نظر گرفت.

تجزیه و تحلیل یافته ها

جدول (۱): نتایج آزمون فرضیات

شاخص ها	b ضریب مسیر	ضرایب معنی داری t	نتیجه آزمون	
بعد متجسم	۰/۱۳	۲/۷۸	رد فرض صفر	
بعد عینی	۰/۰۶۸	۱/۸۰	رد فرض صفر	
بعد ضابطه ای	۰/۱۹	۱/۸۱	رد فرض صفر	
بعد متجسم	آموزش	۰/۱۱	رد فرض صفر	
	دانش سلامت خانواده	۰/۱۱	رد فرض صفر	
	دموکراتیک بودن خانواده	۰/۱۵	۳/۲۱	رد فرض صفر
	شناخت و حفظ میراث فرهنگی	۰/۱۱	۲/۳۲	رد فرض صفر
	طبقه اجتماعی خانواده	۰/۱۲	۳/۰۷	رد فرض صفر
	تعاملات اجتماعی خانواده	۰/۲۰	۳/۸۰	رد فرض صفر
	مشارکت فرهنگی	۰/۱۱	۲/۲۱	رد فرض صفر
بعد عینی	امکانات فرهنگی	۰/۱۴	رد فرض صفر	
	مصرف فرهنگی	۰/۱۲	۲/۶۳	رد فرض صفر
	دسترسی به اطلاعات و شبکه جهانی	-۰/۰۴	۰/۶۲۵	تایید فرض صفر
بعد ضابطه ای	گردشگری	۰/۰۱	۰/۲۱۶	تایید فرض صفر
	مدارک تحصیلی و حرفه ای	-۰/۰۱	۰/۳۶۹	تایید فرض صفر
	اشتغال خانواده	۰/۱۸	۳/۲۷	رد فرض صفر

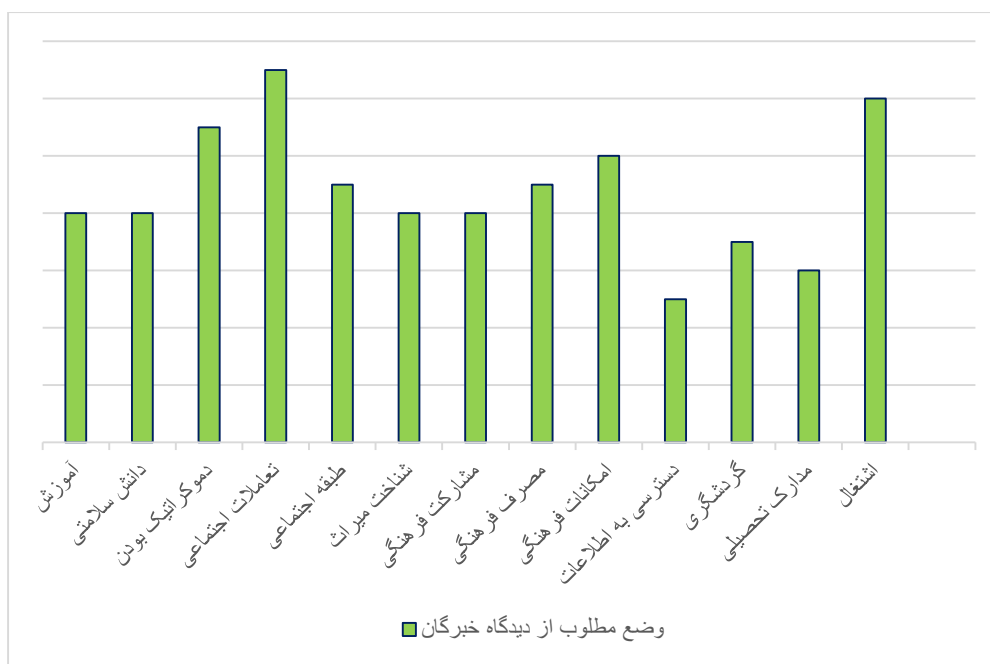
¹ Reliability

² t-values

³ Path Coefficients

جدول (۲): رتبه بندی مولفه های الگوی ارتقاء سرمایه فرهنگی خانواده

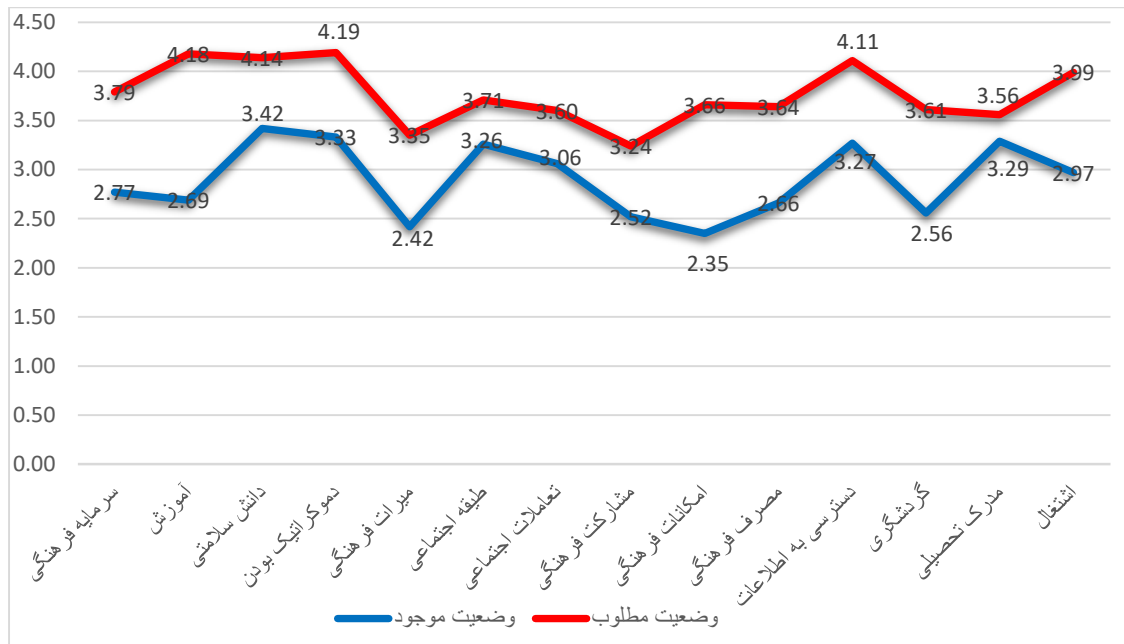
رتبه	بر اساس ضریب مسیر	مولفه های الگو
۱	۰/۲۰	تعاملات اجتماعی
۲	۰/۱۸	اشتغال
۳	۰/۱۵	دموکراتیک بودن
۴	۰/۱۴	امکانات فرهنگی
۵	۰/۱۲	طبقه اجتماعی؛ مصرف فرهنگی
۶	۰/۱۱	شناخت و نگهداری میراث فرهنگی؛ مشارکت فرهنگی؛ آموزش؛ دانش سلامتی
۷	۰/۰۱	گردشگری
۸	-۰/۰۱	مدارک تحصیلی و حرفه ای
۹	-۰/۰۴	دسترسی به اطلاعات و شبکه جهانی



نمودار (۱): رتبه بندی مولفه های الگوی ارتقاء سرمایه فرهنگی خانواده

مقایسه وضعیت موجود و وضعیت مطلوب از دیدگاه خانواده

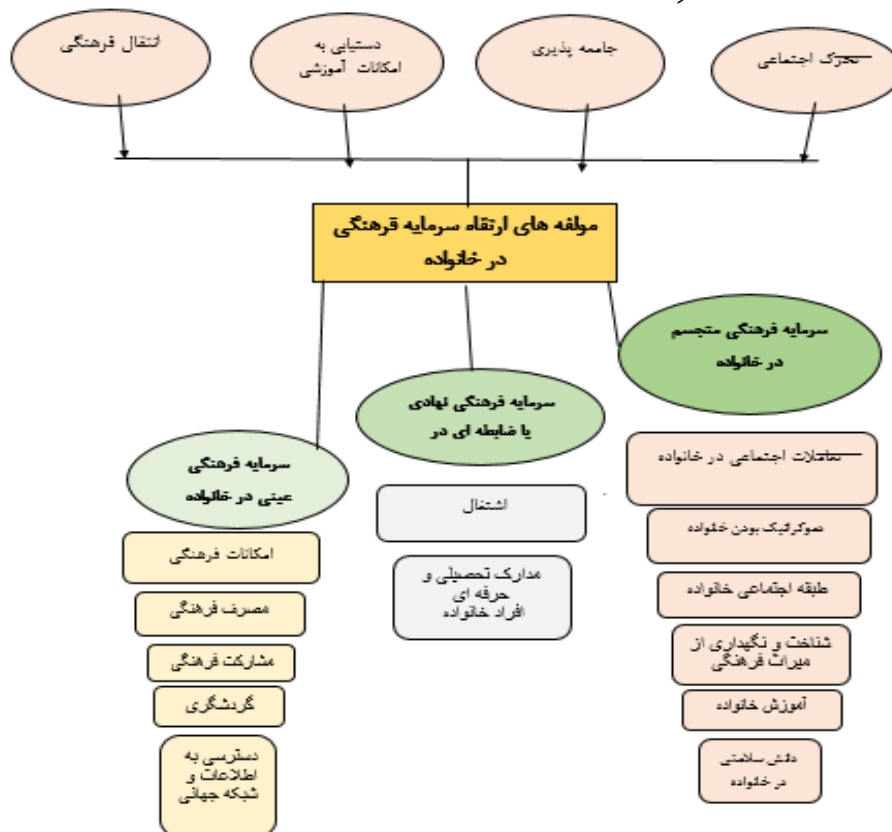
میزان سطح اختلاف بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب، در مولفه مدارک تحصیلی و حرفه ای به مقدار ۰/۲۷ از دیگر مولفه ها کمتر و سطح اختلاف در مولفه آموزش به مقدار ۱/۴۹ از دیگر مولفه ها بیشتر است.



نمودار (۲): نمودار مقایسه وضعیت موجود و مطلوب از دیدگاه خانواده

بحث و نتیجه گیری

از نظر خبرگان مهمترین مولفه های تأثیر گذار بر توسعه سرمایه فرهنگی خانواده، به ترتیب مولفه های تعاملات اجتماعی، اشتغال، دموکراتیک بودن، امکانات فرهنگی؛ سپس مصرف فرهنگی و طبقه اجتماعی با وزن یکسان؛ آموزش، دانش سلامتی، شناخت و نگهداری میراث فرهنگی و مشارکت فرهنگی نیز با وزن یکسان و نهایتاً گردشگری، مدارک تحصیلی و حرفه ای و دسترسی به اطلاعات و شبکه جهانی؛ با در نظر گرفتن اهمیت و وزن، در توسعه سرمایه فرهنگی خانواده نقش دارند (جدول شماره ۲).



شکل (۱): الگوی ارتقاء سرمایه فرهنگی خانواده

راهبردهای پژوهش جهت رسیدن به توسعه سرمایه فرهنگی در خانواده

۱. استفاده از روش های یاددهی موثر و استفاده از تکنولوژی آموزشی فراخور تک تک افراد خانواده با تأکید بر قدرت انتقال مفاهیم از مدرس به یادگیرنده. همچنین ایجاد انگیزه برای یادگیری و تقویت مثبت می تواند آموزش را تسهیل و تاثیرگذار گرداند.
۲. استفاده از شیوه های جذاب در آموزش مفاهیم و ایجاد علاقه به یادگیری و بهره گیری از تکنولوژی روز برای ایجاد تمایل به یادگیری.
۳. تناسب محتوای آموزشی و دانش افراد یکی از نکات مهم برای آموزش موثر است. متناسب سازی کیفیت محتوای آموزشی با نیاز یادگیرنده.
۴. انتقال مفاهیم آموزشی توسط افراد متخصص و خبره و توجه به کیفیت تخصص و مهارت آموزشی مدرسین و ارزیابی های دوره ای در نظام آموزش.
۵. آموزش رسمی تاریخ فرهنگی کشور برای شناخت هویت در افراد.
۶. نمادسازی از میراث فرهنگی ایرانی و اسلامی به منظور هویت سازی در خانواده ها.
۷. ترمیم و بازسازی میراث تمدنی کشور و تشویق خانواده ها به بازدید از آثار باستانی کشور
۸. ایجاد تسهیلات برای آموزش عالی در افراد خانواده
۹. افزایش آگاهی خانواده از دانش بهداشت عمومی از طریق رسانه های سمعی و بصری و اینترنتی، همایش ها، مجلات بهداشتی و کتابهای مناسب خانواده ها.
۱۰. اختصاص بیشتر منابع مادی به منظور ارتقاء سطح سلامت جسمانی و روانی خانواده.
۱۱. اهمیت دادن به سطح سلامتی در نسل بعدی خانواده با انجام آزمایشات ژنتیکی قبل و بعد از ازدواج.
۱۲. افزایش خود اظهاری سلامت در خانواده؛ انجام آزمایشات دوره ای به منظور پیشگیری از بیماریها
۱۳. افزایش سطح گفتگو و تفاهم در خانواده
۱۴. عدم تبعیض جنسیتی در تصمیم گیری های خانواده، بطوریکه همه افراد خانواده بتوانند در تصمیم گیریهای خانواده مشارکت داشته باشند.
۱۵. انتخاب روش مناسب زندگی توسط همه افراد خانواده و در صورت تفاوت در معیارها، افراد خانواده بتوانند با گفتگو و تفاهم به روش مناسب و متناسب با زیست بوم فرهنگی، ارزشها، هنجارهای ملی و مذهبی در جامعه خود دست یابند.
۱۶. افزایش سرانه مطالعه در خانواده
۱۷. ایجاد تسهیلات برای افزایش مصرف کالاهای فرهنگی؛ افزایش بازدید از موزه ها، خرید کتاب، رفتن به سینما، تئاتر و کنسرت،...
۱۸. افزایش تعاملات و ارتباطات اجتماعی خانواده با بستگان، دوستان و گروههای اجتماعی و سازمانهای مردم نهاد یا سمن ها.
۱۹. ارتباط والدین با اولیاء مدرسه فرزندان و محیط های آموزشی
۲۰. شرکت در انتخابات کشور و تمرین دموکراسی که می تواند آموزشی برای ایجاد یک خانواده دموکراتیک باشد.
۲۱. افزایش سطح دسترسی به اطلاعات شبکه های جهانی به همراه فراگیری کسب اطلاعات صحیح از دنیای مجازی.
۲۲. استفاده مناسب از شبکه های اجتماعی جهت تسهیل تبادلات، اطلاعات و فرصتهای فرهنگی
۲۳. تخصیص هزینه برای اتصال به شبکه های اینترنتی و اطلاعاتی
۲۴. افزایش دانش فرهنگی خانواده ها.

۲۵. حضور خانواده ها در مراسم ملی و مذهبی و عضویت افراد خانواده در مراکز فرهنگی
۲۶. عادت واره های خانواده برای شرکت در برنامه های فرهنگی (رفتن به سینما، تئاتر، کنسرت موسیقی، نمایشگاههای هنری، کتابخانه ها، موزه ها...) و به معنای دیگر میل و رغبت برای حضور در برنامه های فرهنگی.
۲۷. کالاهای فرهنگی مورد نیاز افراد خانواده می بایست بر اساس ارزانی و فراوانی کالا، کیفیت، انطباق با فرهنگ بومی و تبلیغات کالا باشد.
۲۸. کالاهای فرهنگی مصرفی می بایست با هنجارهای اجتماعی خانواده ها و مد، همخوانی داشته باشد.
۲۹. مصرف کالاهای فرهنگی در خانواده ایجاد رضایت نماید.
۳۰. استفاده از امکانات فرهنگی با هزینه های اندک یا رایگان
۳۱. دسترسی به امکانات فرهنگی برای همه سنین در خانواده
۳۲. تخصیص بودجه توسط دولت برای ایجاد امکانات فرهنگی قابل دسترس برای خانواده ها بصورت رایگان یا ارزان
۳۳. شناخت جاذبه های گردشگری به تناسب زیست بوم و اکولوژی فرهنگی خانواده ها
۳۴. تشویق خانواده ها به گردشگری و معرفی فرهنگ و تمدن کشور
۳۵. تولید ارزش اقتصادی و سودآوری از صنعت گردشگری در خانواده های بومی
۳۶. فعال کردن فرآیند کارآفرینی در خانواده های بومی به منظور ایجاد خلاقیت در جذب توریست و رونق صنعت گردشگری در کشور
۳۷. ارتقاء مدارک تحصیلی و دانشگاهی افراد خانواده و افزایش سطح کیفی آنها؛ اهمیت به کسب مدارج دانشگاهی معتبر جهانی
۳۸. افزایش ایجاد علاقه و انگیزه برای دریافت گواهی نامه های فنی و حرفه ای
۳۹. افزایش ارزش تقدیرنامه ها و تشویق نامه ها توسط مراکز و نهادهای اجتماعی و رسمی
۴۰. ارتقاء ارزش اجتماعی و اقتصادی مدارک تحصیلی و حرفه ای در جامعه ملی و بین المللی
۴۱. ارتقاء ارزش اجتماعی مشاغل و ایجاد مشاغل تولیدی جدید.
۴۲. افزایش میزان درآمد از اشتغال
۴۳. ایجاد امنیت شغلی والدین و عدم نگرانی اعضای خانواده از آینده شغلی و معیشت خانواده در آینده
۴۴. ایجاد و افزایش سطح کیفی بیمه های اشتغال و بیکاری برای والدین
۴۵. اهمیت دادن خانواده به پرداخت مالیات بر درآمد و وجود احساس مسئولیت اجتماعی در افراد خانواده
۴۶. فراهم نمودن شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برای تسهیل افزایش تعاملات اجتماعی؛ به نحوی که افراد بتوانند در سطوح مختلف، تعاملات ملی و بین المللی برقرار نمایند.
۴۷. تعاملات اجتماعی در سطوح آموزشی، تبادل عقاید و اندیشه ها، مشارکت های فرهنگی، کارآفرینی، گردشگری، سرمایه گذاری، تجارت، ایجاد اشتغال، یادگیری زبان، معرفی صنایع دستی
۴۸. سیاست گذاری های کلان دولت در باز نگهداشتن مسیرهای تعاملی و ارتباطات اجتماعی ملی و بین المللی.
۴۹. بهبود وضعیت اشتغال برای ایجاد تحرک اجتماعی با افزایش تولید.
۵۰. افزایش امکانات فرهنگی مورد نیاز جامعه از طریق ایجاد مراکز فرهنگی، آموزشی و تسهیلات استفاده از آن برای خانواده ها.
۵۱. ایجاد رقابت توسط خصوصی سازی امکانات فرهنگی و ارتقاء سطح خدمت رسانی و کاهش هزینه ها.

References

1. Abel, T. (2015a). Cultural capital and social inequality in health. *Journal of Epidemiology & Community Health*, 62, e13–e13. doi:10.1136/jech.2007.066159
2. Abel, Thomas. (n.d.). *Cultural Capital in Health Promotion*. Health and Modernity (pp. 43–73). New York, NY: Springer New York. Retrieved from file:///C:/Users/home/Desktop/springer/2.htm Al Ariss, A., & Syed, J. (2011). Capital Mobilization of Skilled Migrants: A Relational Perspective. *British Journal of Management*, 22, 286–304. doi:10.1111/j.1467-8551.2010.00734.x
3. Abel, Thomas. (n.d.). *Cultural Capital in Health Promotion*. Health and Modernity (pp. 43–73). New York, NY: Springer New York. Retrieved from file:///C:/Users/home/Desktop/springer/2.htm Al Ariss, A., & Syed, J. (2011). Capital Mobilization of Skilled Migrants: A Relational Perspective. *British Journal of Management*, 22, 286–304. doi:10.1111/j.1467-8551.2010.00734.x
4. Anderson, Delorth; Linda M. Burton; David M. Klein (1393). Modern and emerging theories in family studies. In *Family Encyclopedia*. Editing of Wayne L Bangstone; Ellen S. Eck Catherine Allen and Peggy Dilworth Anderson. Translated by Alya Shakrobihi and Shahla Mehrghani. Tehran: Sociologists. Pp. 174-93.
5. Association for Family therapy & Systematic practice (on line) Index of Family Function and Change. Using the SCORE 15, <http://www.aft.org.uk/>
6. Blaskó, Z. (2003). 'Cultural Capital and Social Reproduction'. *Review of Sociology of the Hungarian Sociological Association*, 9(1), 5–26.
7. Bourdieu, P. (2007). The Forms of Capital. In J. G. Richardson (Ed.). *Handbook of Theory and Research for Sociology of Education*. New York: Greenwood Press.
8. Bourdieu, P. (2014). *Distinction: A Social Critique of the Judgement of Taste*. London: Routledge.
9. Bourdieu, P., & Passeron, J. C. (1990). *Reproduction in education, society, and culture* (Vol. 4). Sage Publications Ltd.
10. Cheng, S.-W. (2006). Cultural goods creation, cultural capital formation, provision of cultural services and cultural atmosphere accumulation. *Journal of Cultural Economics*, 30, 263–286. doi:10.1007/s10824-006-9023-6
11. Clarke, P., & Eastgate, A. (2011). Cultural capital, Life Course Perspectives and Western Front battlefield tours. *Journal of Tourism and Cultural Change*, 9, 31–44. doi:10.1080/14766825.2010.527346
12. Council of Europe, 2010
13. DiMaggio, P. (2004). Arts participation as cultural capital in the United States, 1982–2002: Signs of decline? *Poetics*, 32, 169–194. doi:10.1016/j.poetic.2004.02.005
14. Dumais, S.A. (2002). Cultural capital, gender, and school success: The role of habitus. *Sociology of Education*, 44–68.
15. Egerton, M. (1997). Occupational Inheritance: The Role of Cultural Capital and Gender. *Work, Employment & Society*, 11, 263–282. doi:10.1177/0950017097112004
16. Fanning, B., Haase, T., & O'Boyle, N. (2010). Well-being, Cultural Capital and Social Inclusion: Immigrants in the Republic of Ireland. *Journal of International Migration and Integration / Revue de l'integration et de la migration internationale*, 12, 1–24. doi:10.1007/s12134-010-0166-0
17. Findlay, A. M., King, R., Smith, F. M., Geddes, A., & Skeldon, R. (2011). World class? An investigation of globalisation, difference and international student mobility. *Transactions of the Institute of British Geographers*, no–no. doi:10.1111/j.1475-5661.2011.00454.x
18. Ghaffari, Gholamreza (2008), "Structural Fundamentals of Cultural Capital and Its Generating Resources", *Social Sciences Development*, Vol. 12, No. 2: 21-12.
19. Ghanei Rad, Seyed Mohammad Amin (2017). The decline of the paternity, the collapse of the family, or the emergence of a civilian family. Tehran: Publication of criticism of culture, pp. 18-12.
20. Jaeger, M. M. (2009). Equal Access but Unequal Outcomes: Cultural Capital and Educational Choice in a Meritocratic Society. *Social Forces*, 87, 1943–1971. doi:10.1353/sof.0.0192

22. Johnson, J. H., Bienenstock, E. J., & Stoloff, J. A. (1995). An empirical test of the cultural capital hypothesis. *The Review of Black Political Economy*, 23, 7–27. doi:10.1007/BF02689909
23. Kapitzke, C. (2000). Information technology as cultural capital: shifting the boundaries of power. *Education and Information Technologies*, 5(1), 49–62.
24. Kesel, Phillip. (2008). *Anthony Giddens Works, Second Edition*, Hassan Chavashian Translation. Tehran: Phoenix Publishing.
25. Kuly, Michelle, Stewart, Etoile, & Dudley, Michael. (2005). Enhancing Cultural Capital: The Arts and Community Development in Winnipeg. page 33-38. Article
26. Lane, Jeremy F. (2006) *Bourdieu's Politics Problems and possibilities*. First Published. Landon and New York. Routledge.
27. Lareau, A. (2003c). *Unequal childhoods: Race, class, and family life*. Berkeley: University of California Press.
28. Linnehan, F., Weer, C. H., & Stonely, P. (2011). High School Guidance Counselor Recommendations: The Role of Student Race, Socioeconomic Status, and Academic Performance. *Journal of Applied Social Psychology*, 41(3), 536–558.
29. Low, S. (2008). Investing in cultural capital: A partnership enhancing transition for equity students.
30. Marks, G. N. (2009). The Influence of Cultural Capital on Educational and Early Labour Market Outcomes of Young People in Australia. In K. Robson & C. Sanders (Eds.), *Quantifying Theory: Pierre Bourdieu* (pp. 89–103). Dordrecht: Springer Netherlands. Retrieved from <http://www.springerlink.com/content/u2075693715g4078/>
31. Mortimer, J., & Krüger, H. (2006). Pathways from school to work in Germany and the United States. *Handbook of the Sociology of Education*, 475–497. -Myrberg, E., & Rosén, M. (2009). Direct and indirect effects of parents' education on reading achievement among third graders in Sweden. *British Journal of Educational Psychology*, 79, 695–711. doi:10.1348/000709909X453031
32. Phillips, R., & Shockley, G. (2010). Linking Cultural Capital Conceptions to Asset-Based Community Development. *Mobilizing communities: asset building as a community development strategy*, 92.
33. Ranjbar, Mahmood (2005). Article incompatible family. Trial of social harm. Tehran
34. Retrieved November 26, 2011, from <http://winnspace.uwinnipeg.ca/handle/10680/314>
35. Rupp, J. C. C., & Lange, R. (1989). Social order, cultural capital and citizenship*. *The Sociological Review*, 37, 668–705. doi:10.1111/j.1467954X.1989.tb00049.x
36. Salehi Amiri, Seyyed Reza (2007). *Concepts and cultural theories*. Tehran: Phoenix Publication, pp. 64-59.
37. Saroukhani, Bagher (2001) *Comes to the Encyclopedia of Social Sciences*, J 1 & 2, Tehran: Kayhan Publications
38. Sasaki, M. (2010). Urban regeneration through cultural creativity and social inclusion: Rethinking creative city theory through a Japanese case study. *Cities*, 27, S3–S9.
39. Sharipour Mahmood (2005). Social capital and its role in social and economic life. *Quarterly Journal of Social Science Education*, Vol. 41, p. 10.
40. Stuber, J. M. (2009). Class, Culture, and Participation in the Collegiate ExtraCurriculum. *Sociological Forum*, 24, 877–900. doi:10.1111/j.15737861.2009.01140.x
41. Taylor 'P (1997)" Investigating Culture and Identity" 'London: Collins 'quoted in ' Communication Studies: The essential Resource 'Cultural 'Communication and Context 'pp. 199-200.
42. Throsby, C. D. (2001). *Economics and culture*. Cambridge Univ Pr. Tramonte, L., & Willms, J. D. (2010). Cultural capital and its effects on education outcomes. *Economics of Education Review*, 29(2), 200–213. doi:10.1016/j.econedurev.2009.06.003
43. UNESCO, ORG. (n.d.). Selection Criteria. Retrieved December 9, 2011, from file:///D:/backup/cultural%20capital%202/cc2/Selection%20Criteria%20UNESCO%20%20%2016.htm
44. Waldron, L. M. (2009). Cultural Approaches to Understanding School Violence. *Sociology Compass*, 3(4), 595–615. doi:10.1111/j.1751-9020.2009.00222.x

45. Weininger, E.B., & Lareau, A. (2007). Cultural capital. page 21-23. Blackwell Publishing.
46. Wildhagen, T. (2009a). WHY DOES CULTURAL CAPITAL MATTER FOR HIGH SCHOOL ACADEMIC PERFORMANCE? An Empirical Assessment of Teacher-Selection and Self-Selection Mechanisms as Explanations of the Cultural Capital Effect. *Sociological Quarterly*, 50, 173–200. doi:10.1111/j.1533-8525.2008.01137.x
47. Yaish, M., & Katz-Gerro, T. (2010). Disentangling “Cultural Capital”: The Consequences of Cultural and Economic Resources for Taste and Participation. *European Sociological Review*. doi:10.1093/esr/jcq056.